

مقایسه شادکامی و اشتیاق برای برقراری ارتباط در سبک‌های دلبستگی دانشجویان

Comparison of happiness and willingness to communicate in attachment styles in university students

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۲۰

Bayrami M. PhD[✉], Mohammadpour V. MSc
Gholamzade M. MSc, Esmaili B. MSc

منصور بیرامی[✉]، وهاب محمدپور^۱
مجتبی غلامزاده^۱، بهمن اسماعیلی^۱

Abstract

Introduction: The aim of this study was to compare happiness and willingness to communicate in attachment styles in sample students in University of Tabriz.

Method: Using cluster sampling, 400 students were selected and for data collection, Hazan and Shaver Attachment Styles Scale and Memorial University of Newfoundland Scale of Happiness (Munsh) and Willingness to Communicate Scale were used. Data analysis using one-way analysis of variance and the post hoc multiple comparisons were performed.

Results: The results showed that there are significant differences between attachment styles and happiness. Students with secure attachment style had a higher happiness than non-secure students with avoidant and ambivalent attachment styles. Students with avoidant attachment style had higher happiness than those with ambivalent attachment style. Another result showed that there are significant differences between attachment styles and willingness to communicate.

Conclusion: Students with secure attachment style had higher willingness to communicate than non-secure students and students with ambivalent attachment style had higher willingness to communicate compared with avoidant students. Overall, attachment styles affect happiness and willingness to communicate.

Keywords: Happiness, Willingness to Communicate, Attachment Styles

چکیده

مقدمه: هدف پژوهش حاضر مقایسه شادکامی و اشتیاق برای برقراری ارتباط در سبک‌های دلبستگی در نمونه‌ای از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه تبریز بود.

روش: با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ۴۰۰ نفر از دانشجویان انتخاب شدند و برای جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس سبک‌های دلبستگی هازن و شیور و مقیاس شادکامی دانشگاه مموریال نیوفاندلند (مونش) و مقیاس اشتیاق برای برقراری ارتباط استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس یک راهه و مقایسه‌های چندگانه تعقیبی انجام شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که تفاوت معناداری بین سبک‌های دلبستگی در شادکامی وجود دارد. دانشجویان دارای سبک دلبستگی ایمن در مقایسه با دانشجویان دلبسته نایمن اجتنابی و دوسوگرا شادکامی بالاتری دارند و دانشجویان دارای سبک دلبستگی اجتنابی در مقایسه با دوسوگرا، شادکامی بالاتری دارند. نتیجه دیگر این پژوهش نشان داد که تفاوت معناداری بین سبک‌های دلبستگی در اشتیاق برای برقراری ارتباط وجود دارد.

نتیجه‌گیری: دانشجویان دارای سبک دلبستگی ایمن در مقایسه با دانشجویان دلبسته نایمن اجتنابی و دوسوگرا اشتیاق برای برقراری ارتباط، بالاتری دارند و دانشجویان دارای سبک دلبستگی دوسوگرا در مقایسه با اجتنابی اشتیاق برای برقراری ارتباط بالاتری دارند. نتیجه کلی این که سبک‌های دلبستگی بر شادکامی و اشتیاق برای برقراری ارتباط، تاثیر می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها: شادکامی، اشتیاق برای برقراری ارتباط، سبک‌های دلبستگی

✉ **Corresponding Author:** Department of Psychology,
Faculty of Educational Sciences and Psychology,
University of Tabriz, Tabriz, Iran
E-Mail: dr.bayrami@yahoo.com

✉ گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
۱- گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

مقدمه

بالبی [۳، ۲، ۱]، در نظریه دلبستگی بر این نکته تأکید داشت که ارتباط اولیه کودک-والد، سبک دلبستگی فرد را شکل می‌دهد و بر دیدگاه فرد درباره خود، دیگران و روش سازمان‌دهی ارتباطات میان فردی تأثیر می‌گذارد. برطبق این نظریه، تأثیر کیفیت دلبستگی در تمامی فراخنای عمر تداوم دارد و تبیین‌کننده تفاوت‌های فردی در زمینه روش‌های مقابله‌ای با آزردهگی‌های درونی و تنظیم روابط میان فردی است. بسیاری از روانشناسان تحولی عقیده دارند که احساس گرمی، اعتماد و امنیتی که حاصل دلبستگی ایمن یا چهره اولیه دلبستگی است، زمینه کنش روانشناختی سازگاران‌های را در مراحل بعدی رشد فراهم می‌کند.

هازن و شیور [۴]، بر اساس نظریه دلبستگی بالبی، دلبستگی بزرگسال را پایه‌گذاری کردند. این پژوهشگران به دو شکل دلبستگی بزرگسالی را تعریف کردند: الف) بازنمایی‌های درونی یا الگوهایی که رفتار میان فردی و پردازش اطلاعات را هدایت می‌کند، ب) راهبردها و شیوه‌های اختصاصی که افراد برای حفظ امنیت خود استفاده می‌کنند. آنها براساس نتایج به دست آمده از پژوهش‌های انجام شده در زمینه سبک‌های دلبستگی نوزادی، سبک‌های دلبستگی بزرگسال را در سه طبقه، ایمن، دوسوگرا و اجتنابی معرفی کردند. افراد ایمن در برقراری روابط صمیمی راحت هستند، تمایل دارند برای دریافت حمایت به دیگران وابسته باشند و اطمینان دارند دیگران آنها را دوست دارند. چهره‌های دلبستگی خود را به عنوان افراد گرم توصیف می‌کنند، تصویر مثبتی از خود دارند و از دیگران توقعات و انتظارات مثبتی دارند. افراد طبقه دوسوگرا برای برقراری روابط نزدیک تمایل شدیدی دارند، اما در عین حال نگرانی زیادی از طرد شدن دارند. پذیرش از طرف دیگران را شرط لازم برای داشتن احساس خوب نسبت به خود می‌دانند. این افراد تصویری منفی از خود دارند ولی نگرش مثبت به دیگران دارند. مشکل اساسی گروه اجتنابی خود اتکایی است. زمانی که احتمال می‌رود که از طرف دیگران طرد شوند با انکار نیاز دلبستگی، سعی می‌کنند تصویر مثبت از خود را حفظ کنند. افراد اجتنابی از دیگران انتظارات و نگرش منفی دارند افراد دلبسته نایمن اجتنابی حس خود ارزشمندی بالایی دارند و برقراری روابط نزدیک با دیگران را کم اهمیت می‌شمارند؛ اما افراد دوسوگرا حس عمیقی از بی‌ارزش بودن را تجربه می‌کنند. خودافشاگری نامناسب، ابراز نامناسب هیجان‌ها، گریه‌های مکرر در حضور مراقب و وابستگی به دیگران در افراد دوسوگرا گزارش شده است و زمانی که نیازهای آنها در روابط نزدیک برآورده نمی‌شود، آزردهگی بیش از حدی را تجربه می‌کنند و آسیب‌پذیری بالایی در

این گروه دیده می‌شود [۵].

در مورد شادکامی تعاریف مختلفی ارائه شده است ولیکن تعریف فون‌هوون [۶]، از شادکامی، جامع به نظر می‌رسد: درجه و میزانی است که با آن یک فرد کیفیت کلی زندگی‌اش را به عنوان یک زندگی کاملاً مطلوب مورد قضاوت قرار می‌دهد. پژوهشگران شادکامی را بهزیستی روانشناختی، بهزیستی روانی یا بهزیستی ذهنی تعریف کرده‌اند [۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱].

به نظر آرجیل، مارتین و لو [۱۲]، سه جزء اساسی شادکامی عبارت‌اند از: هیجان مثبت، رضایت از زندگی و نبود هیجانات منفی از جمله افسردگی و اضطراب. او و همکارانش دریافته‌اند که روابط مثبت با دیگران، هدف‌مند بودن زندگی، رشد شخصی، دوست داشتن دیگران و طبیعت نیز از اجزاء شادکامی هستند. یکی از موضوعات مرتبط با شادکامی، وجود شبکه حمایتی است؛ به این دلیل مایرز و داینر [۱۳]، می‌گویند وقتی از مردم پرسیده شود که فرد شادکام چه کسی است، در پاسخ به شبکه‌ای حمایتی از روابط در یک فرهنگ اشاره می‌کنند که به تفسیری مثبت و خوش‌بینانه از رویدادهای روزمره زندگی می‌انجامد. بنابراین، یکی از اجزای مهم شادکامی، جزء شناختی آن است. شوارتز و استراک [۱۴]، باور دارند که افراد شادکام کسانی هستند که در پردازش اطلاعات سوگیری دارند؛ یعنی، اطلاعات را به گونه‌ای پردازش و تفسیر می‌کنند که به خوشحالی آنها می‌انجامد. بنابراین، شادکامی مفهومی است که چندین جزء اساسی دارد. نخست جزء عاطفی و هیجانی که باعث می‌شود فرد شادکام همواره از نظر خلقی شاد و خوشحال باشد. دوم جزء اجتماعی که گسترش روابط اجتماعی را به دنبال دارد و سوم جزء شناختی که موجب می‌گردد فرد شادکام نوعی تفکر و نوعی پردازش اطلاعات ویژه خود داشته باشد و وقایع روزمره را طوری تعبیر و تفسیر کند که خوش‌بینی وی را به دنبال داشته باشد.

گرین برگ، سیگل و لیت [۱۵] و فنی و نولر [۱۶]، در تحقیقات خود بر روی دلبستگی و شادکامی، به این نتیجه رسیدند که بین دلبستگی ایمن و شادکامی ارتباط معناداری وجود دارد؛ به این معنا که افراد دلبسته ایمن شادکامی بالاتری دارند و هر چه دلبستگی نایمن‌تر باشد افراد میزان شادکامی پایین‌تری را تجربه می‌کنند.

یکی از جنبه‌های مهم رشد انسان، فرایند اجتماعی شدن اوست. ذاتی بودن زندگی جمعی در انسان‌ها، ضرورت تماس با دیگران را به‌عنوان امری گریزناپذیر جلوه می‌دهد. رشد اجتماعی متضمن ارتباط سالم و منطبق با موقعیت در افراد است. اگر چه روابط اجتماعی، چگونگی برقراری و نیز ابعاد آن، عمری به درازای حیات انسان دارند، لیکن پژوهش

هازن و شیور ساخته شده و یک مقیاس خود گزارشی است که بر مبنای سبک‌های دلبستگی سه گانه اینزورث (ایمن، اجتنابی، دوسوگرا) و با این فرض که می‌توان در روابط بزرگسالان نیز سبک‌های مشابه سبک‌های دلبستگی کودکان یافت، طراحی شده است. این مقیاس مشتمل بر سه عبارت توصیفی از احساسات فرد درباره روابط میان فردی است که هر کدام از آنها به یکی از سبک‌های دلبستگی اشاره دارد. این مقیاس دارای دو بخش است که در بخش اول، آزمودنی به هر کدام از سه عبارت توصیفی بر روی یک طیف ۹ درجه‌ای لیکرت، از کاملاً نامناسب (۱) تا کاملاً مناسب (۹) پاسخ می‌دهد. در بخش دوم، فرد یکی از عبارات را به عنوان مناسب‌ترین توصیف در مورد احساسات خود انتخاب می‌کند [۴].

بالدوین و فهر، به نقل از [۲۵] اعتبار کلی این مقیاس را ۰/۶۷ گزارش نمودند؛ به علاوه ضرایب آلفای سبک‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۵۷، ۰/۳۲ بوده است.

مقیاس شادکامی دانشگاه مموریال نیوفاندلند (Memorial University of Newfoundland Scale of Happiness):

این مقیاس برای اندازه‌گیری شادکامی توسط کوزما و استونز [۲۶] طراحی شده است و ۲۴ سوال دارد که به صورت سه ماده‌ای (بلی = ۲)، (خیر = ۰) و (نمی‌دانم = ۱) نمره‌گذاری می‌شود. اعتبار این آزمون با استفاده از روش بازآزمایی بعد از ۱۸ ماه برابر با ۰/۷۰ شده است [۲۷]. همسانی درونی این آزمون برابر با ۰/۷۱ به دست آمده است. به علاوه، با توجه به شاخص اعتبار، ضریب روایی برابر با ۰/۸۴ گزارش شده است [۲۷].

مقیاس اشتیاق برای برقراری ارتباط (WTC): این آزمون توسط مک کروسکی [۲۸] طراحی شده و دارای ۱۲ سوال است که به صورت بلی (۱۰۰) و خیر (۰) نمره‌گذاری می‌شود. اعتبار این آزمون توسط مک کروسکی ۰/۹۲ و اعتبار بازآزمون آن نیز ۰/۷۹ گزارش شده است [۲۸]. این ابزار اعتبار بالایی را نشان داده است و برخی حمایت‌ها برای اعتبار پیش‌بین و ساختار آن وجود دارد [۲۹]. در این پژوهش با استفاده از روش بازآزمایی، پس از ۴ ماه اعتبار آزمون ۰/۷۲ و همسانی درونی آیت‌های ۱۲ گانه آزمون توسط آلفای کرونباخ ۰/۶۹ به دست آمد.

یافته‌ها

شادکامی و اشتیاق برای برقراری ارتباط در جدول ۱ آمده است.

همان‌طور که در جدول دو مشاهده می‌شود بین میانگین نمرات شادکامی و اشتیاق برای برقراری ارتباط دانشجویان

عالمانه در این زمینه را می‌توان محدود به گستره زمانی معینی دانست که رشته‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی، خود را به عنوان عرصه‌های علمی مطرح کردند و هر کدام بخشی از ساز و کارهای زندگی جمعی و روابط بین فردی بشر را مورد کنکاش قرار دادند [۱۷].

بنابر نظر *بالبی*، تجارب اولیه کسب شده توسط کودک، در نظامی به نام الگوی درون کاری، درونی‌سازی می‌شود. این الگو نه تنها حکم یک مدل را برای ارتباطات اجتماعی آینده فرد دارد، بلکه قوانین نانوشته‌ای را برای اینکه چگونه فرد تجربه کند، ابراز وجود کند و با عواطف پریشان خود کنار بیاید، فراهم می‌کند [۱۸].

بنابر نتایج پژوهش‌ها، دلبستگی ایمن با ویژگی‌های ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و خرسندی، دلبستگی اجتنابی با سطوح پایین تری از صمیمیت و تعهد و دلبستگی دوسوگرا با شور و هیجان و دلمشغولی در مورد روابط توأم با خرسندی کم، مرتبط است [۱۹]. افراد اجتنابی بیش از دوسوگراها به پایان بخشیدن روابط تمایل نشان می‌دهند [۱۹، ۴]. در پی انحلال روابط پیشین، بازسازی روابط جدید نیز برحسب الگوی دلبستگی فرد متفاوت است. اجتناب‌گرها با از میان رفتن یک رابطه، کمتر از دوسوگراها مضطرب و پریشان می‌شوند [۲۰]. گروه اخیر به سرعت به برقراری روابط جدید اقدام می‌کنند [۱۹]. یافته‌های بررسی هورویتز، روزنبرگ و بارتولومئو [۲۱] و هورویتز، لاک، مورس، ویکار، درایر، تارنو و گانام [۲۲]، نیز نشان داد که شکل‌های مختلف بین‌شخصی با سبک‌های متفاوت دلبستگی مطابقت دارد.

بر اساس یافته‌های کافتسیوس [۲۳] و مک کارتی، نائومی و راجل [۲۴]، می‌توان چنین گفت که افراد با سبک‌های دلبستگی ایمن، در ارتباط‌های خود از شیوه‌های کارآمد و موثر ارتباطی استفاده کرده و توانایی مدیریت ارتباط عاطفی و هیجانی را دارند. بنابراین در این پژوهش با توجه به مبانی پیشینه مطرح شده تلاش گردید تا با مقایسه شادکامی و اشتیاق برای برقراری ارتباط در طبقات سه گانه دلبستگی جمعیت دانشجویی شواهد عینی‌تری برای این ادعاها ارائه شود.

روش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانشجویان دانشگاه تبریز تشکیل می‌دهند که در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، ۴۰۰ نفر از آنان به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد.

مقیاس سبک‌های دلبستگی بزرگسالان: این آزمون توسط

ایجاد تفاوت اثر داشته‌اند، اجرای مقایسه‌های چندگانه برای متغیرهای وابسته اختصاصی ضرورت یافته و به آن پرداخته شده است.

از نظر سبک دل بستگی تفاوت معناداری با احتمال ۹۹ درصد وجود دارد. به منظور آگاهی از اینکه کدام یک از متغیرهای وابسته در

جدول ۱- اطلاعات توصیفی آزمودنی‌ها بر حسب متغیرهای دل بستگی و شادکامی و اشتیاق برای برقراری ارتباط

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	دل بستگی	
۸/۳۳۳	۱۰/۶۸	۲۲۸	ایمن	شادکامی
۹/۵۴۰	۱/۸۷	۱۰۴	اجتنابی	
۱۱/۴۳۶	-۲/۳۲	۶۸	دوسوگرا	
۱۰/۶۴۳	۶/۱۸	۴۰۰	کل	
۱/۹۵۱	۹/۱۰	۲۲۸	ایمن	اشتیاق برای برقراری ارتباط
۲/۲۷۱	۷/۴۸	۱۰۴	اجتنابی	
۱/۸۶۲	۸/۵۶	۶۸	دوسوگرا	
۲/۱۲۷	۸/۵۸	۴۰۰	کل	

جدول ۲- نتایج تحلیل واریانس یک راهه بروی متغیرهای مورد بررسی

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	Df	مجموع مجذورات		
۰/۰۰۰۱	۳۳/۶۴۲	۲۸۶۹/۶۹۵	۲	۵۷۳۹/۳۹۰	بین گروهی	شادکامی
		۸۵/۳۰۰	۳۹۷	۱۶۸۰۴/۱۳۰	درون گروهی	
			۳۹۹	۲۲۵۴۳/۵۲۰	کل	
۰/۰۰۰۱	۱۱/۳۷۸	۴۶/۶۲۷	۲	۹۳/۲۵۳	بین گروهی	اشتیاق برای برقراری ارتباط
		۹۶/۰۹۸	۳۹۷	۸۰۷/۳۰۲	درون گروهی	
			۳۹۹	۹۰۰/۵۵۵	کل	

$P < ۰/۰۵$

جدول ۳- مقایسه چندگانه تعقیبی متغیرهای سبک دل بستگی و شادکامی و اشتیاق برای برقراری ارتباط

معناداری	خطای معیار	تفاوت میانگین‌ها	آزمون کمترین تفاوت معنادار متغیر وابسته		
۰/۰۰۰۱	۱/۵۴۶	۸/۸۱۹	ایمن	اجتنابی	شادکامی
۰/۰۰۰۱	۱/۸۰۵	۱۳/۰۰۸	دوسوگرا		
۰/۰۰۰۱	۰/۳۳۹	۱/۶۱۶	ایمن	اجتنابی	اشتیاق برای برقراری ارتباط
۰/۱۷۶	۰/۳۹۶	۰/۵۳۸	دوسوگرا		

دل بستگی ایمن و شادکامی ارتباط معناداری وجود دارد. به این معنا که افراد دل بسته ایمن شادکامی بالاتری دارند و هرچه دل بستگی نایمن تر باشد افراد میزان شادکامی پایین تری را تجربه می کنند.

نتیجه دیگر این پژوهش نشان داد که رابطه معناداری بین سبک دل بستگی و اشتیاق برای برقراری ارتباط وجود دارد به عبارت دیگر افراد دارای سبک دل بستگی ایمن اشتیاق برای برقراری ارتباط بیشتری دارند و افراد دارای سبک دل بستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا اشتیاق برای برقراری ارتباط کمی دارند.

بر اساس نتایج یافته‌های پیشین می توان چنین تبیین کرد که دل بستگی ایمن با ویژگی‌های ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و خرسندی، دل بستگی اجتنابی با سطوح پایین تری از صمیمیت و تعهد، و دل بستگی دوسوگرا با شور و هیجان و

در جدول ۳ نتایج مقایسه‌های چندگانه نشان می دهد که، بین میانگین نمرات شادکامی و اشتیاق برای برقراری ارتباط در سبک دل بستگی ایمن و سبک های دل بستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا تفاوت معنادار می باشد.

بحث

پژوهش حاضر نشان داد که بین سبک دل بستگی و شادکامی رابطه معناداری وجود دارد به عبارت دیگر افراد دارای سبک دل بستگی ایمن شادکامی بالایی دارند و افراد دارای سبک دل بستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا شادکامی پایینی دارند.

نتیجه به دست آمده با تحقیق گرین برگ و همکاران [۱۵] و فنی و مولر [۱۶] همسو می باشد. آنها در تحقیقات خود بر روی دل بستگی و شادکامی، به این نتیجه رسیدند که بین

- 10- Myers DG. The pursuit of happiness. New York: Avon Books; 1992.
- 11- Argyle M. The psychology of happiness. 2nd. Ed. London, Routledge; 2001.
- 12- Argyle M, Martin M, Lu L. Testing for stress and happiness: The role of social and cognitive factors. In CD. Spielberger & IG. Sarason (Eds), Stress and Emotion, Washington, DC :Taylor & Franci; 1995.
- 13- Myers DG, Diener E. Who is happy? Psychol Sci, 1995; 6:10-19.
- 14- Schwartz N, Strack F. Evaluating one's life: A Judgment model of subjective well-being. In F. Strack, M. Argyl and N. Schwartz (Ed); 1991.
- 15- Greenberg MT, Sigel JM, Leith CJ. The nature and importance of attachment relationships to parents and peers during adolescence. J Youth Adolesc, 1993; 12:373-86.
- 16- Feeney JA, Noller P. Adult attachment. Stage Publication, London, New Dehli; 1996.
- 17- Hossein Chari M, Fadakar MM. The effect of university students and students on communication skills based on the comparison. J Daneshvar Raftar. 2005; 15: 21-42. [Persian]
- 18- Cooper ML, Shaver PR, Collins NL. Attachment styles emotion regulation and adjustment in adolescence. J Pers Soc Psychol. 1998; 74(5):1380-97.
- 19- Feeney JA, Noller P. Attachment style as a predictor of adult romantic relationship. Pers Soc Psychol. 1990; 58(2):282-92.
- 20- Simpson JA. Influence of attachment styles on romantic relationships. J Personal Soc Psychol, 1990; 59(5):997-80.
- 21- Horowitz LM, Rosenberg SE, Bartholomew K. Interpersonal problems, attachment styles and outcome in brief dynamic psychology. J Couns Clin Psychol, 1993; 61(4):548-60.
- 22- Horowitz LM, Locke KD, Morse MB, Waikar SV, Dryer DC, Tarnow E, Ghannam J. Self-derogation and the interpersonal theory. J Pers Soc Psychol. 1991; 61(1):68-79.
- 23- Kafetsios K. Attachment and emotional intelligence abilities across the life course. Pers Indiv Diff. 2004; 37:129-45.
- 24- McCarthy CJ, Naomi PM, Rachel TF. Continued attachment to parents: Its relationship regulation and perceived stress in college student. Meas Eval Couns Dev. 2001; 33(4):198-213.
- 25- Hosseini SH. The relationship between cognitive styles and attachment styles [Dissertation]. University of Shahid Beheshti; 2004. [Persian]
- 26- Kozma A, Stones S, Stones MJ. Stability in components and predictors of subectors of subjective well-bing (SWB): Implications for SWB structure. Advan Qual Life Theor Res. 2000; 13-30.
- 27- Babapour J, Rasolzadeh SK, Ejei J, Fathi-Ashtiani A. Relationship between problem-solving styles and psychological health of students. J Psychol. 2003;7(1): 3-16. [Persian]
- 28- McCroskey JC. Reliability and validity of the willingness to communicate scale. Commun Quart. 1992; 40(1):16-25.
- 29- McCroskey JC, Richmond VP. Willingness to communicate. Differing cultural perspectives. South Commun J. 1990; 56(1):72-7.

دل‌مشغولی در مورد روابط توأم با خرسندی کم، مرتبط است [۱۹]. افراد اجتنابی بیش از دوسوگراها به پایان بخشیدن روابط تمایل نشان می‌دهند [۴، ۱۹]. در پی انحلال روابط پیشین، بازسازی روابط جدید نیز برحسب الگوی دلبستگی فرد متفاوت است. اجتناب‌گراها با از میان رفتن یک رابطه، کمتر از دوسوگراها مضطرب و پریشان می‌شوند [۲۰]. گروه اخیر به سرعت به برقراری روابط جدید اقدام می‌کنند [۱۹]. یافته‌های بررسی هوروویتز و همکاران [۲۱، ۲۲]، نیز نشان داد که شکل‌های مختلف روابط بین فردی با سبک‌های متفاوت دلبستگی مطابقت دارد. همچنین، براساس یافته‌های کافتسیوس [۲۳] و مک‌کارتی و همکاران [۲۴]، می‌توان گفت که افراد با سبک‌های دلبستگی ایمن، در ارتباط‌های خود از شیوه‌های کارآمد و موثر ارتباطی استفاده کرده و توانایی مدیریت ارتباط عاطفی و هیجانی را دارند.

نتیجه‌گیری

در مجموع نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی با شادکامی و اشتیاق برای برقراری ارتباط رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، افراد دارای سبک دلبستگی ایمن از شادکامی و اشتیاق برای برقراری ارتباط بالایی برخوردار هستند در حالیکه افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا از شادکامی و اشتیاق برای برقراری ارتباط پایینی برخوردار هستند.

منابع

- 1- Bowlby J. Attachment and loss: Vol. 2 Separation, New York, Basic Books; 1973.
- 2- Bowlby J. The making and breaking of affectional books, British. J Psychiat. 1977; 130:201-10
- 3- Bowlby J. Attachment and loss: Vol. 3 Loss, sadness, and depression. New York, Basic Books; 1980.
- 4- Hazan C, Shaver P. Conceptualizing romantic love as an attachment process, J Pers Soc Psychol. 1987; 52:511-24.
- 5- Bartholomew K, Horowitz LM. Attachment styles among young adults: A test of a four category model. J Personal Soc Psychol. 1991; 61:226-4.
- 6- Veenhoven R. Happiness in nation. Erasmus University, Rotterdam, Netherlands; 1992.
- 7- Veenhoven R. Conditions of happiness. Dordrecht. D. Reidel Publishing Company, 1984.
- 8- Diener E. Subjective well-being: Three decade of progress. Psychol Bull, 1999; 125: 276-302.
- 9- Eysenck HJ. Happiness, fact and myths. London: Lawrence Erlbaum; 1990.